

بختِ سیاه در لباسِ سفید: مطالعه ای بر ازدواج کودکان در نواحی روستایی ایران

## Black fortune in white dress: a study on child marriage in rural areas of Iran

کامیل احمدی<sup>1</sup>

Kameel Ahmady

چکیده:

سالانه ده ها هزار دختر و پسر زیر سن 15 سالگی توسط خانواده هایشان وادار به ازدواج می شوند. شمار واقعی این کودکان در حقیقت بالاتر از این آمارها است. بسیاری از خانواده ها در ایران ازدواج در سنین پایین را ثبت نمی کنند و یا به صورت غیررسمی به ثبت می رسانند. طبق گزارش انجمن حمایت از حقوق کودکان در ایران شمار دخترانی که در زیر سن 15 سال ازدواج کرده اند از 33383 نفر در سال 1385 به 43459 نفر در سال 1388 رسیده است؛ یعنی 30 درصد افزایش در عرض سه سال. مطالعه ی اخیر به بررسی میزان رواج کودک همسری یا ازدواج زودهنگام کودکان در ایران پرداخته است. جامعه آماری تحقیق باتوجه به آخرین آمار در دسترس به هفت استان ایران با بالاترین نرخ ازدواج کودکان اختصاص داده شد و از این میان، نمونه آماری با توجه به رتبه ی هر استان با روش های نمونه گیری خوشه ای، طبقه بندی و تصادفی انتخاب و با ابزار پرسشنامه مورد مصاحبه و تحلیل قرار گرفته اند. نتایج و یافته های پیمایش در کتابی جمع آوری شده و به زودی توسط نشر شیرازه به چاپ خواهد رسید.

کلمات کلیدی: ازدواج کودکان، ازدواج زودهنگام، کودک همسری، خشونت علیه زنان، حقوق بشر

مقدمه

سازمان ملل متحد ازدواج کودکان را به هر نوع ازدواج در زیر سن 18 سال قبل از اینکه دختر به لحاظ جسمی و روانی آمادگی پذیرش مسئولیت های زناشویی و بچه داری را داشته باشد، اطلاق می کند. بر همین مبنا در مواردی که کودک در زیر سن ازدواج کند، ازدواج زودهنگام کودکان رخ داده است؛ ازدواجی که توسط پدر یا پدربزرگ کودک از جانب وی شکل گرفته و در آن توجهی به حداقل سن قانونی ازدواج نشده است .

<sup>1</sup> کارشناس ارشد مردم شناسی دانشگاه کنت <http://kameelahmady.com/>

[Kameel14@hotmail.com](mailto:Kameel14@hotmail.com)

+98 0912 433 1915

ازدواج کودکان شکلی از زناشویی است که در آن حداقل یکی از طرفین کمتر از 18 سال سن دارد. در بیشتر موارد این دختر است که هنوز یک کودک می‌باشد. همان‌طور که پیش از این بحث آن رفت، در ایران رسیدن به یک آستانه بیولوژیکی و جسمی بدون در نظر گرفتن سن، ترجمان صلاحیت برای ازدواج است (لوپزا و وانگ، 1391).

از منظر جنسی و حقوق بشری عمل ازدواج زودهنگام کودکان پیامد بدیهی سرکوب جنسی و اعمال مخرب سنتی است که به نگهداشت نابرابری‌های جنسیتی و سرکوب بیشتر می‌انجامد. در جهان در حال توسعه، مساله ی بفرنج ازدواج زودهنگام کودکان با بالا رفتن جمعیت جوانان رو به افزایش است و عامل اصلی مسئول در این قضیه افزایش سطح فقر، فقدان دانش و تحصیلات و تبعیت از الزامات فرهنگ مردسالارانه و باورهایی است که به اشتباه واداشتن دختران به ازدواج‌های ناخواسته و زودهنگام را عاملی برای حمایت و محافظت از آنها می‌دانند. متأسفانه باوجود پیامدهای جسمانی و تبعیض نسبت به دختران جوان، قدمهای اندکی برای خاتمه ی عمل ازدواج زودهنگام کودکان در ایران برداشته شده است.

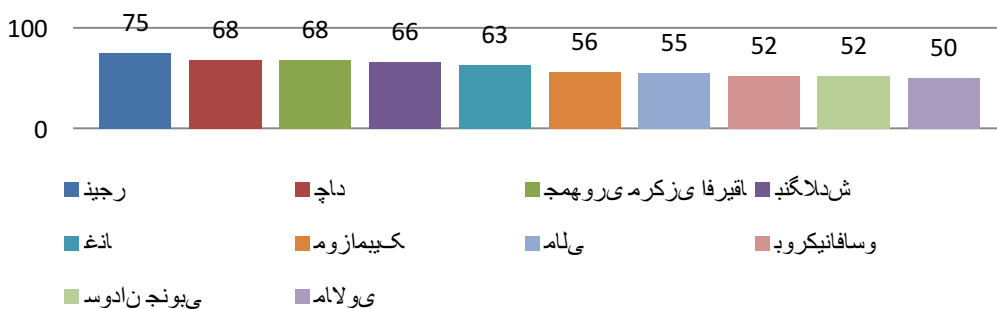
مطالعات جامع و قابل اتکای بسیار کمی بر روی اثرات ازدواج زودهنگام به روی مردان انجام گرفته و ابعاد و آثار ازدواج زودهنگام بر پسران خردسال، حتی از جانب کارشناسان بین‌المللی ای که در مبارزه با ازدواج کودکان کار می‌کنند نادیده گرفته شده است. کمبود این داده‌های تجربی منجر به فقدان فاحش دانش در خصوص تنگناهای ازدواج برای پسران خردسال شده است. آنها اغلب وادار به ترک تحصیل و اشتغال به کارهای سطح پایین می‌شوند تا از پس مسئولیت‌های خانواده ی جدید خویش برآیند. این نکاح و زناشویی پیش از بلوغ چرخه ی فقر را که از ابتدا علت شکل‌گیری ازدواج بوده است، تداوم می‌بخشد.

کودک همسری یک مسئله ی جهانی است که می‌تواند در هر گوشه ی دنیا، از خاورمیانه گرفته تا آمریکای لاتین، آسیای جنوبی و اروپا یافت شود. تحقیقات نشان می‌دهند این امر نه تنها در بسیاری نواحی دنیا رخ می‌دهد، بلکه افرادی که آن را اعمال می‌کنند با روی گشاده و رضایت قلبی انجام می‌دهند زیرا چنین رسومی جایگاهی اجتماعاً پذیرفته شده دارند (گافنی ریس، 1389). طبق گزارشی از سازمان "دختر، نه عروس"<sup>2</sup>، اگر روند ازدواج کودکان کاهش نیابد، آمار جهانی ازدواج کودکان به 1.2 میلیارد مورد در سال 2050 خواهد رسید. با این حال به لحاظ نسبت‌ها و درصد‌ها، اکثر موارد ازدواج کودکان در جنوب صحرای آفریقا و جنوب آسیا متمرکز است. این دو ناحیه به عنوان مرکز و محور ازدواج زودهنگام کودکان شناسایی شده‌اند. در کشورهای در حال توسعه، روند ازدواج دختران نوجوان رایج و عمیقاً رو به فزونی است. هنجارهای اجتماعی و مفاهیم پذیرفته شده از شرایط مطلوب باعث شده است زنان بزرگسال تر برای ازدواج مطلوب و خواستنی نباشند. بر اساس سرشماری سال 1369 در هند، نزدیک به 5 درصد از دختران بین 10-14 سال و بیش از 35 درصد دختران 15-19 سال ازدواج کرده بودند. به نقل از یافته‌های صندوق جمعیت سازمان ملل، 51 درصد از زنان در بنگلادش و 74 درصد زنان در نیجر قبل از رسیدن به سن 18 سالگی متاهل بوده‌اند. در بخش‌های خاصی از غرب آفریقا، شرق آفریقا و آسیای جنوبی ازدواج قبل از بلوغ یک مسئله ی غیر معمول نیست. در شمال آفریقا، خاورمیانه و سایر بخش‌های آسیا ازدواج بلافاصله پس از بلوغ بخشی از سنت و تا حد زیادی در درون فرهنگ نهفته است. آمریکای لاتین و اروپای شرقی نیز در بکارگیری این رسم استثنا نبوده و در آنها دختران نوجوان اغلب در فاصله سنی 16-18 سال

<sup>2</sup> Girls, not brides

ازدواج می کنند. چنین ازدواج هایی اغلب ازدواج اجباری تلقی می شوند زیرا این نوجوانان بدون داشتن رضایت در انتخاب شریک زندگی شان وادار به وصلت زناشویی شده اند. از این رو، از ازدواج زود هنگام اغلب تحت عنوان ازدواج اجباری و تحمیلی یاد می شود.

### ی رسمه کدوک خرن نیرتلااب اب روشک هد



در کویت و لیبی سنی که در آن زنان ازدواج می کنند به طرز معنی دار و چشمگیری افزایش یافته است. نزدیک به 40 درصد زنان 15 الی 19 ساله در لیبی و کویت در دهه 1350 ازدواج کرده بودند اما تا میانه دهه ی 90 آمار های مربوطه گواه این بود که فراوانی این ازدواج ها به 1 و 5 درصد رسیده است (رشاد و همکاران، 1384).

بسیاری از کشورهای مسلمان مثل الجزایر، عمان و تونس سن 18 سالگی را به عنوان حداقل سن ازدواج تعیین کرده اند (هرمانسم، 1391). عربستان سعودی یکی از 74 کشوری است که حداقل سن قانونی را برای ازدواج قرار نداده است زیرا در چنین کشورهایی بلوغ فیزیکی نشان و حایل بین کودکی و بزرگسالی در نظر گرفته می شود. (الحکم و مک لالین، 1395).

در عربستان سعودی برخی فعالین و سازمان های حقوق بشری مداخله ی دولت را با تعیین سن حداقل ازدواج جهت توقف کودک همسری و جلوگیری از آزار کودکان خواستار شده اند. تعیین چندین محدودیت های قانونی ای در سنی که فرد قادر به ازدواج می گردد در بسیاری از کشورها رایج است (حتی اگر آن سن خاص از کشوری به کشور دیگر متغیر باشد همان). از آنجا که هیچ حداقل سنی قانونی برای ازدواج در عربستان سعودی وجود ندارد، بلوغ جسمی تبدیل به عامل تعیین کننده در تصمیم گیری در خصوص بزرگسالی زنان و آمادگی شان برای ازدواج است. به طور کلی فرض بر این است که اگر یک دختر به سن بلوغ رسید، آمادگی لازم جهت ازدواج را داراست. باین حال به ندرت اتفاق می افتد که یک پسر قبل از اتمام تحصیلاتش و امنیت شغلی ازدواج کند.

برخلاف جوامع غربی که در آن سن نقش بازدارنده از روابط جنسی را ایفا می کند، در جوامع اسلامی و عربی، چنین محدودیتی در حالتی که افراد به وصلت یکدیگر در آمده باشند وجود ندارد. در نتیجه آمیزش جنسی به لحاظ قانونی و فرهنگی در جوامع اسلامی پذیرفته شده، اما در جوامع غربی غیر قانونی و غیر اخلاقی تعریف شده است (همان).

با وجود چنین قوانین جدیداً تصویب شده و جریانات دلگرم کننده ای، هنوز بقایای زننده ای از انکار و چشم پوشی ازدواج زود هنگام کودکان وجود دارد. در ترکیه، کشور همجوار ایران، مجلس قانون اساسی این حکم را که تمامی

اعمال جنسی در ارتباط با کودکان زیر 15 سال، تجاوز یا سو استفاده جنسی نیستند، صادر کرد. بر اساس این مصوبه، کودکان در سنین 12، 13 و 14 سال به عنوان یک جامعه اقلیت دیگر حمایت قانون را از دست داده اند زیرا بر اساس قانون رضایت آنها نسبت به فعالیت جنسی مورد غفلت قرار می گیرد.

اصطلاح سن رضایت در متون و نظام نامه های قانونی به ندرت دیده می شود (ویتس، 1384). در عوض قانون، سن خاصی را مصوب می کند که به موجب آن درگیری در فعالیت جنسی برای فرد غیر قانونی اعلام می شود. این امر گاه با معانی دیگری هم مورد استفاده قرار گرفته است، برای مثال سنی که در آن فرد قادر به رضایت به ازدواج می شود. بیشتر سیستم های قضایی سن رضایت به رابطه ی جنسی را بین 14 الی 18 سال قرار می دهند. برای حفاظت از کودکان در برابر سواستفاده های جنسی بسیاری از کشورها یک سن حداقلی را برای رضایت به رابطه جنسی تعیین کرده اند، با این حال زمینه ی چنین اندازه هایی در درون فرهنگهای اسلامی دیده نمی شود. زیرا کلیه ی رابطه های غیر از ازدواج همواره غیر قانونی بوده اند (دهامی و شیخ، 1379).

شایان ذکر است که ژرف سنجی ها در قوانین جمهوری اسلامی در خصوص ازدواج نشان از مغایرت معنی دار بین قوانین ملی و تعهدات بین المللی اش می باشد. به استناد از سخنان اولین و والاترین رهبر ایران، آیت الله خمینی، تجربه ی رابطه ی جنسی به استثنای لقاح، با تمامی دختران در هر سنی مشروع است.

قبل از انقلاب بر اساس ماده 23 قانون حمایت خانواده (سال 1353) ازدواج زنان قبل از رسیدن به سن 18 سال تمام و ازدواج مردان قبل از اتمام 20 سالگی شان ممنوع بود. تغییر این سن بعد از انقلاب در ایران رخ داد. تغییرات اولیه ی آن در دولت موقت شکل گرفت و این ماده با ماده 1041 قانون مدنی تعویض شد. بر اساس ماده ی 1041 از قانون مدنی ایران سن ازدواج برای دختران 13 و برای پسران 15 سالگی اعلام شد. با این حال همین قانون به دختر اجازه می دهد که ازدواج در زیر سن 13 سالگی و پسران در زیر سن 15 سالگی به شرط رضایت والد یا اجازه ی دادگاه بتواند شکل بگیرد<sup>3</sup> علاوه بر این اگر قیم کودک (پدر بزرگ یا مادر بزرگ) چنین درخواستی را داشته باشد و دادگاه به این نتیجه برسد که او به قدر کافی بالغ شده است که بتواند ازدواج کند، کودک می تواند حتی در سنین پایین تر نیز ازدواج کند.

بر اساس ماده ی اصلاحی 1041 در سال های 1360 و 1369، پیوند زناشویی قبل از رسیدن به بزرگسالی ممنوع است. ماده ی 1041 قانون مدنی در سال 1313 اعلام می کرد که در ایران بر اساس قانون اساسی و مشروعیت قانونی، هیچ ازدواجی بین دختر زیر 15 سال و پسر زیر 18 سال نمی تواند شکل گیرد، مگر اینکه شرایط خاصی در نظر گرفته شود که در آن اعتبار ازدواج توسط یک دادخواه عمومی اعلام شود. این استثنا برای مواردی که دختر زیر سن 15 سال و پسر زیر سن 18 سال بود وجود نداشت. به این معنا که آنها نمی توانستند به هیچ وجهی ازدواج کنند. قانون جدیدی در سال 1361 وضع شد که به موجب آن سن اولیه ی ازدواج یا سن بلوغ برای دختران 9 سال و برای پسران 15 سال در نظر گرفته شد که بر این اساس هرگونه اقدام به ازدواج در زیر این سن های اولیه غیر قانونی بود. نهایی ترین تغییر در قانون مدنی در سال 1381 تصویب شد که بر مبنای آن مشروعیت

---

<sup>3</sup> ماده 1041 قانون مدنی می گوید: ازدواج دختران قبل از 13 سالگی و پسران قبل از 15 سالگی مشروط بر اجازه ی قیم و با در نظر داشتن صلاح و مصلحت کودک توسط دادگاه، جایز است.

ازدواج بین دختران و پسران زیر این سن بلوغ تعریف شده (13 و 15) با رضایت یک قاضی صالح به عنوان یک شرط تأکید شد.

رویکرد روششناختی به کار گرفته شده در این تحقیق یک روش کیفی در مقیاس کلان بود. از آنجاکه تحقیقی پیش از این در این باره در دسترس نبود که بتوان به آن رجوع کرد یا روش شناسی شناخته شده ای در ایران به عنوان یک تحلیل تطبیقی به کار گرفته نشده بود، روش شناسی مطابق و همخوان با پدیده ی موردنظر وجود نداشت. که این امر نیاز به یک مطالعه ی تطبیقی از مناطق با نرخ های بالای رواج ازدواج کودکان در داخل ایران را ضروری می کرد که در فهم شباهت ها و تفاوت ها می توانست به ما کمک کند. حجم جامعه، حجم نمونه، روش نمونه گیری، تعداد مصاحبه های تعیین شده برای هر بخش و ناحیه حتی زمان اختصاص داده شده به هر استان خاص بازتابی از رواج ازدواج زودهنگام کودکان در آن منطقه بوده است. اگرچه پرسشنامه ی بکار گرفته شده در هر منطقه یک نسخه ی محلی شده و بومی شده از پرسشنامه های پیمایش جمعیتی و سلامت<sup>4</sup> بود، اما بیشتر بخش های آن محقق-ساخته بود.

استان ها با تحلیل داده های جمعیت شناسی موجود در خصوص آمارهای ازدواج در یک دهه ی اخیر انتخاب شدند. شایان ذکر است که ترتیب قرار گرفتن این استان ها در لیست موردنظر این تحقیق با فهرست هایی که توسط حکومت منتشر شده است، یکسان نیست زیرا فهرست بکار گرفته شده در این مطالعه با انتخاب استان هایی صورت گرفته که بالاترین آمار کودک همسری را داشته اند رونمایی از تحقیق طنین سکوت در کتابخانه ملی و در طول این ده سال بیشتر از بقیه استانها تکرار شده اند. براین مبنا هفت استان مذکور عبارتند از:



1. خراسان رضوی 2. آذربایجان شرقی 3. خوزستان 4. سیستان و بلوچستان 5. آذربایجان غربی 6. هرمزگان و 7. اصفهان

سؤال های ساختار یافته در پرسشنامه با موضوعات زیر آورده شدند: پیش زمینه ی پاسخگو، ازدواج، تصمیم گیری های ازدواج، باروری زنان، باروری مردان، نگرشهای جنسیتی، مواجهه با پیام های پیش گیرانه ی ازدواج کودکان، خشونت جنسی زنان، خشونت خانگی مردان.

پرسشنامه بر میزان رواج و علل ازدواج کودکان در مناطق مورد مطالعه تمرکز داشت. پرسشنامه ی مذکور، تنها در مصاحبه با افراد محلی مورد استفاده قرار گرفت. مطالعه همچنین شامل مصاحبه با مسئولین، شخصیت های حکومتی، دینی و رهبران محلی هم بود. سؤالات مطرح شده به تناسب اینکه فرد مصاحبه شونده در چه زمینه های تأثیرگذار و مطلع بود، بر حوزه های خاصی متمرکز می شد و روند مصاحبه ها به لحاظ ساختاری متفاوت بود.

نتایج و راهکارها

ایران تا به حال در خصوص آثار علمی در مورد ازدواج کودکان ساکت مانده است. جهت تحلیل کودک همسری در حوزه زندگی اجتماعی از پرسشنامه هایی به عنوان ابزار تحلیلی در خصوص حوزه های اجتماعی

<sup>4</sup> DHS

زیر استفاده شد. پیش زمینه فردی، بعد خانواده و وضعیت آن، باورهای دینی، سطح وابستگی به ازدواج کودکان، وضعیت دینی والدین، سطح تحصیلی، اطلاعات باروری پاسخگویان زن و مرد، هنجارهای ازدواج، ثبت آن، رسوم زناشویی، سطح قرار گرفتن در معرض پیامهای پیشگیرانه از کودک همسری، نگرشهای جنسیتی خانواده و تصمیمگیریهای فردی، تجربه خشونت جنسی زنان و تجربه مردان از خشونت خانگی. از این منظر یافته‌های تحقیق در مورد اثرات ازدواج زودهنگام کودکان بر شرایط اجتماعی به صورت تصویری درآمده که زمینه را برای ارائه توصیه‌های منسجم و فعالیت اصلاحی فراهم می‌نماید. ازدواج زودهنگام کودکان تنها در بافت‌های فرهنگ خاص خودش است که منطق و عقلانیت می‌یابد. بدون در نظر گرفتن تمامی حوزه‌های اجتماعی ذکر شده در بالا هر حرکتی به سمت بهبود و پیشرفت ائتلاف منابع، زمان و سرمایه خواهد بود.

جایگاه غالب ازدواج کودکان در زنجیره نابرابری جنسیتی تحت تأثیر فقر، توقعات اجتماعی، خشونت فرهنگی و جنسی، هنجارهای جنسی ضمنی، کلیشه‌های جنسی، فشار اجتماعی و سختی‌های خانوادگی همچنان تداوم می‌یابد. تغییر این وضعیت نیازمند سیاستگذاری‌های جدید و یافتن راهکارها و قبول هنجارهایی است که بازتابی از برابری جنسیتی می‌باشد. ازدواج زودهنگام و ترک تحصیل وقایع توانمندی هستند که نقطه پایانی برای فرصت پیشرفت در زندگی دختران خردسال می‌باشد. یافته‌های تحقیق در این زمینه حیرت‌آور است. در این زمینه دلایل چندگانه دیگری بر طبق وضعیت هر استان ذکر شد. برای مثال فقر و عدم توانایی در پرداخت شهریه عمده‌ترین دلیل ترک تحصیل در استان هرمزگان بود. در آذربایجان شرقی مدارسی که بسیار دور بودند به عنوان دلیل عمده ترک تحصیل اعلام شد.

دلیل بنیادی اینکه چرا ازدواج زودهنگام کودکان در جامعه سنتی ایران تداوم یافته جهانبینی مردسالارانه می‌باشد. این همان دلیلی است که کودک همسری نسل‌ها است در فرهنگ ایران باقی مانده است. علیرغم اینکه اکثریت پاسخگویان 48 (درصد) معتقد بودند که کودک همسری باید متوقف شود، هنوز بسیاری از مردم مصرانه آن را اعمال می‌کردند حتی در میان کسانی که آن را مردود می‌شمردند. از نظر آنها اثرات زیانبار ازدواج کودکان هزینه کوچکی است که باید برای تبعیت از هنجارهای جامعه سنتی پرداخت. ازدواج زودهنگام کودکان در زمانی که جامعه در میانه کشمکش‌ها و مخاصمات اجتماعی است به عنوان یک مکانیزم دفاعی دیده می‌شود. زمانی که ناآرامی‌ها یا فجایع طبیعی در یک کشور اثر می‌گذارد دختران اولین کسانی هستند که لطمه می‌بینند. والدین به ازدواج دادن بچه‌هایشان به عنوان مکانیزمی برای دست‌وپنجه نرم کردن با این بلایا متوسل می‌شوند تا درجاتی از امنیت و رفاه را برای دخترشان خصوصاً در زمانی که خطر خشونت جنسی افزایش می‌یابد، تضمین کنند.

قشربندی اجتماعی خود باعث شکلگیری ازدواج کودکان است. در روستاهایی که ساکنین در اقشار بالاتر اقتصادی قرار داشتند، نرخ ازدواج کودکان با افزایش روبه‌ر و می‌شد. این تمایز اقتصادی به کودک همسری به عنوان ابزاری به طبقه بندی اجتماعی دامن می‌زند. خانواده‌ها ترجیح می‌دهند فرزندان‌شان با افرادی در طبقه‌ی اقتصادی خود ازدواج کنند تا سلسه مراتب نظم و قدرت و رفاه را حفظ کنند. زمانی که بین هنجارهای اجتماعی و تفسیرهای دینی تضاد وجود داشته باشد، این دومی است که خود را با اولی تطبیق می‌دهد. در مورد ازدواج زودهنگام، ننگ اجتماعی از دست دادن آبرو در جامعه و ترس از مطرود شدن به خاطر تبعیت نکردن از هنجارهای اجتماعی علل رواج کودک همسری هستند. رسوم نامناسب رایج و هنجارهای جنسیتی-فرهنگی اجتماعی که در جوامع ایرانی وجود دارد، به نگهداشت رسم کودک همسری کمک می‌کند. در جامعه سنتی که در آن از دست دادن بکارت هنوز یک تابو است، رسوم برای جلوگیری از تغییر این تابوها شکل می‌گیرد.

انحراف از هنجارها امری نادر است. به محض اینکه دختر بچه به سن خاصی می‌رسد معمولاً در اوایل نوجوانی به عنوان تهدیدی قلمداد می‌شود که باید به سرعت ازدواج کند. زنان با کمبود تحصیلات و فرصت‌های کم مشارکت‌های اجتماعی موقعیت سرکوبگرانه یکسانی را به دختران خود منتقل می‌کنند. با غفلت در تغییری که می‌توانستند به طور بالقوه در زندگی دخترانشان به وجود بیاورند، قربانیان کودک همسری که اکنون بازماندگان آن هستند، دقیقاً همین محدودسازی را با همان شیوه‌های که خود تجربه کردند، در حق کودکانشان مرتکب می‌شوند. پیچیدگی ازدواج زودهنگام کودکان برنامه‌های هماهنگ سیاسی و قانونی اثرگذار در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی را اجتناب ناپذیر می‌کند. مجموعه‌ای از رویکردها در مورد ازدواج کودکان وجود دارد. هرکسی به طور سرنوشت‌سار نقشی برای ایفا کردن دارد. این بدان معناست که برای ریشه‌کنی ازدواج زودهنگام مداخلات پایدار طولانی مدت که در هماهنگی با هم قرار دارند و بازتابی از توانمندسازی دختران، پویایی خانواده‌ها و جوامع، دسترسی به خدمات و استقرار قوانین و سیاست‌های مناسب هستند، ضرورت دارد. سیاستگذاران و مسئولین دولتی هنوز هم این شرایط اضطراری را نادیده می‌گیرند. کنار گذاشتن این انکار جمعی و روی آوردن به واقعیات عینی به ریشه‌کنی ازدواج کودکان منتهی می‌شود.

#### منابع

- الحکم. حسین و مک لالین، کنث (1395)، ازدواج‌های قابل بحث: ازدواج و کودک همسری در عربستان سعودی، مجله مروری بر خانواده و ازدواج: 9.  
<http://dx.doi.org/10.1080/01494929.2016.1157119>
- دهامی. س و شیخ، الف (1379)، خانواده‌ی مسلمان: تنگنا و تعهد. مجله‌ی پزشکی غرب، 173: 352
- رشاد. ه، عثمان. م و رودی فهیمی، ف (1384)، ازدواج در جهان عرب. واشنگتن دی سی
- گافنی ریس، ار (1390)، قانون بین‌المللی به عنوان ابزاری جهت مبارزه با ازدواج کودکان. مجله بین‌المللی حقوق بشر، 15(3): 373-359.
- لویزا، اس و وانگ، اس (1391)، بسیار زود ازدواج کردن، پایان کودک همسری.  
<http://www.unfpa.org/sites/default/files/pub-pdf/MarryingTooYoung.pdf>

ویتش، متیو(1384)، سن رضایت: جوانان، میل جنسی و شهروندی. نشر پالگریو مک میلان. ISBN 1-4039-2173-3.  
OCLC 238887395

هرمنسم. م(1391)، جوانی مسلمان و هویت مذهبی: رویکردهای سنتی و چالش های معاصر. به ویراستاری بانگ.  
م، کودکان، بزرگسالان و مسدولیت های مشترک: رویکردهای یهودی، مسیحی و مسلمان، انتشارات کمبریج:  
.134-119